

مختصات جراحی اقتصادی ایران

■ «فرهیختگان» دستور العمل ۹ گانه رهبر انقلاب در خصوص اصلاح

اقتصادی در دیدار با اعضای هیات دولت را رمزگشایی کرد

صفحه ۸ را بخوانید



کنسرت محمد معتمدی شب‌های متفاوتی
را در بوستان آب و آتش ساخت

با مردم
بدون شوآف

« نگاه

در ستایش هنرمند مردمی و بی ادعا

دیشب و پربیش «پارک آب و آتش» فضایی متفاوت داشت.

چند هزار شنونده آمده بودند حال‌شان خوب شود، تا در این روزها که فشار اقتصادی و مشکلات معیشتی کمر بسیاری را شکسته است؛ با شنیدن موسیقی اصیل و فاخر آرامش بگیرند و استاد محمد

معتمدی الحق و الانصاف چه حال خوبی را برایشان رقم زد.

محمد معتمدی سالی چند دهه‌بار در کشورهای مختلف جهان، کنسرت موسیقی اصیل و فاخر ایرانی برگزار می‌کند و تا چند وقت پیش در دنیا بیش از ایران شهره بود؛ پیش از آنکه به دوره‌می بیاید و با مهران مدیری هم کلام شود و از موسیقی کلاسیک ایرانی بگوید و لابد لایه گپ‌وگفت صمیمانه‌اش، چند واحد درس موسیقی سنتی بدهد و همه را انگشت به دهان کند که چرا ما این گنج را تا امروز ندیده بودیم؟! محمد معتمدی اما بیش از همه به‌خاطر سربه‌زیری و نجایش شناخته نشده است، او در کلاس درس فرهنگ و

هنر اصیل ایرانی یاد گرفته است که هر چقدر بزرگ شوی باید سربه‌زتر باشی! او با این «بند»‌های دوزاری که باید بگردد در بین ترانه‌هایشان که فهم و وزن و آگاهی را بیایی که صدی یکی‌شان هم از این مهم بی‌بهره‌اند، خیلی متفاوت است. او تراز است، معتمدی اهل شوآف و شعار نیست؛ صفحه اینستاگرامش را اگر دنبال کنی عموماً مثل سلبریتی‌ها بی‌خود و بی‌جهت حرف نمی‌زند؛ درگیر رفتارهای پوپولیستی و عوام‌فریب نیست؛ اما کاری که به‌نظرش درست بیاید، انجام می‌دهد و حالا اما او که متوجه شده مشکلات اقتصادی بر مردم فشار می‌آورد و استفاده از هنرش برای مردم هزینه‌بردار است دست به کار شده تا مردم به

صورت رایگان از هنرش استفاده کنند؛ البته بدون هیچ‌گونه شوآف و کار تبلیغی!

دیشب و پربیش چند هزار نفری که مخاطب محمد معتمدی و گروه ارکستر او به رهبری استاد علی اکبر قربانی بودند از این جهت لذت بردند که پای این «کنسرت خیابانی» به‌جای حرف‌های هجو و حشو و بی‌مایه از مدح امیرالمومنین تا داستان عشق را شنیدند. آنهایی که روزگاری با صدای محمدرضا شجریان شور می‌گرفتند و با ایرج بسطامی محزون می‌شدند و با شهرام ناظری پرواز می‌کردند؛ حالا یک صدای پربسامد و گیرای دیگر یافته‌اند که از فرهنگ غنی و اصیل ایرانی برخاسته و اینهایی که در دهه ۷۰ و ۸۰ متولد شده‌اند و درگیر همین «بند»‌های بی‌مایه هستند، تازه فهمیده‌اند که «هنر فاخر» چیست. معتمدی همان کسی بود که پس از سال‌ها نشنیدن «ای ایران، ای سرای امید» به کمک استاد مرحوم محمدرضا لطفی دوباره این نوا را زنده کرد. او برای نسل ما نمادی است از زنده بودن موسیقی فاخر و اصیل که می‌تواند از طریق آلات موسیقی ذهن و روح شنونده را نوازش دهد و او را اتفاقاً به فرهنگ اصیل دینی و بومی نزدیک کند؛ موسیقی‌ای از جنس فهم، شعور و آگاهی!

هنرمندی که خاضع و خاکی است و هندروست را تکریم می‌کند و همان جاپشت میکروفن از حاضران هم عذرخواهی می‌کند که این تجربه جدیدی بوده و نقص و کوتاهی آن را به گردن می‌گیرد.

بحث کنسرت‌های خیابانی را اول بار همایون شجریان باتوجه به وضعیت اقتصادی مطرح کرد. همایون شجریان با اشاره به دلیل درخواست خود برای برگزاری کنسرت خیابانی گفت: «سه سال پیش برای کسانی که تا به حال امکان دیدن کنسرت نداشته‌اند و اغلب در نقاط کم‌امکانات شهرها زندگی می‌کنند درخواست اجرای کنسرت خیابانی دادم که به دلایلی برگزاری آن میسر نشد و دغدغه برگزاری این کنسرت تا به امروز با من ماند. امروز به دلایل دیگری که می‌دانید این دغدغه مطرح شد؛ البته به‌هرحال صورت‌مساله؛ یعنی مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی سر جای خودش است. این مسائل تا حل نشود نارضایتی جامعه پابرجاست. اما یک رویداد هنری می‌تواند به همدلی و انرژی‌مان کمک کند.» با همه این بحث‌ها و آمادگی وزارت ارشاد و شهرداری تهران برای برگزاری این کنسرت اما هنوز همایون شجریان موفق به برگزاری کنسرت خیابانی نشده است و این درحالی است که محمد معتمدی بدون حاشیه دیشب و پربیش مخاطبان چند هزار نفری را با خود همراه کرد. برای فرهنگ اصیل ایرانی و اسلامی و برای جریانی که دغدغه این فرهنگ را دارد، مهم است و باید تلاش کند تا در برابر هجمه این «بند»‌های بی‌مایه‌ای که سالی چند تایی آنها مثل قارچ رشد می‌کنند و دقیقاً مثل قارچ زود پلاسید می‌شوند؛ «معتمدی»‌ها را تکثیر کند. اهمیت محمد معتمدی و امثال او را باید در این ببینیم که ضمن درگیری با فرهنگ و هنر به اصالت آن نیز توجه دارند و حاضرند برای آنکه هنر فاخر و اصیل حفظ شود؛ تلاش کنند و الحق و الانصاف نمایندگان خوبی هستند برای آنکه سینه سپر کنیم که هنر ما همچون محمد معتمدی را نیز در خود دارد!

با دستور دکتر طهرانچی سرپرست دانشگاه آزاد اسلامی اعلام شد

۵۰ درصد تخفیف شهریه دانشجویی در مناطق محروم

صفحه ۲ را بخوانید



راز تفاوت دکتر سلام

حضور ۷ هزار نفر در جشن دکتر سلام
از میان ۲۵ هزار متقاضی و تنوع میهمان‌ها
این برنامه طنز در فضای مجازی را در
پنجمین سال شکل‌گیری به پدیده مهمی
تبدیل کرده است ❶

عکس: بهمن عباسی افشاری

موسوی خویی‌نی‌ها (۱۶ شهریور ۱۳۵۹):

شاخصه خط امام کوتاه‌نیامدن در برابر فشارهای آمریکاست

❷

«فرهیختگان» از جزئیات روند مذاکرات ۴ ماهه انتلاف‌های عراقی برای دستیابی

به فراکسیون اکثریت پارلمان گزارش می‌دهد

پایان نخست‌وزیری العبادی؟

❸

محمد جواد رضایی، خنداننده محبوب
در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

دوست داریم برای مدافعان حرم استندآپ اجرا کنیم

❹

عکس یک ا راز تفاوت دکتر سلام

روز پنجشنبه
سازمان
روزشگاهی
در شمالی‌ترین نقطه



محمد رضایی
دبیر دانشگاه علمی

تهران میزبان جشن پنج‌سالگی مجموعه طنز «دکتر سلام» بود. از فروردین سال ۹۲ یعنی کمتر از دو ماه مانده تا انتخابات ریاست‌جمهوری، با تلاش جمعی از جوانان دانشجو سر و کله یک مجموعه طنز تصویری پیدا شد که شاید آن زمان خیلی‌ها کارکرد آن را صرفاً انتخاباتی می‌دانستند اما کم‌کم جای خود را میان مخاطبان باز کرد تا جایی که علی صدرنیا یعنی همان صاحب جمله معروف «دکتر سلامی‌ها سلام» در ابتدای برنامه جشن گفت امسال حدود ۲۵ هزار نفر برای حضور در جشن ثبت‌نام کرده‌اند و از این تعداد و با قید قرعه حدود هفت‌هزار نفر به سالن امام علی (ع) در مجتمع سوهانک دانشگاه آزاد اسلامی آمده‌اند.

برای یک لحظه در همین نقطه مکث کنید و بار دیگر به آمار بالا دقت کنید؛ حدود هفت‌هزار نفر حاضر شده‌اند در یک روز گرم تابستانی خود را به نقطه‌ای از تهران (لابد با مشقات دستگاه نفری آزادی دومه تحت فشار قرار گرفت؛ طنز اینترنتی شرکت کنند و این در حالی است که برگزار کنندگان این جشن چند سالی است که اعلام می‌کنند برای برگزاری جشن «راه آزادی بسته است»؛ چرا که هربار دولتی‌ها یا درخواست برگزاری

این جشن در مجموعه ۱۲ هزار نفری

ورزشگاه آزادی مخالفت می‌کنند. سال گذشته مجموعه طنز «دکتر سلام» برای گرفتن مجوز برگزاری در سالن ۱۲ هزار نفری آزادی دومه تحت فشار قرار گرفت؛ ابتدا پس از پاسکاری‌های مختلف بالاخره مجوز برگزاری را به دست آورد اما در نهایت با بهانه‌های مختلف، راه آزادی باز نشد. امسال اما شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی کشور و وزارت ورزش بهانه جدید جلوگیری از بروز آسیب‌های فیزیکی به سالن‌های «تخصصی ورزشی» را مطرح کردند! مخالفتی که بیش از آنکه تخصصی باشد بیشتر به راه‌حلی برای بستن دهان منتقدان تعبیر شد.

مسئولان این مجموعه دانشجویی هر سال برای برگزاری این مراسم سراغ سالن‌های بزرگ‌تر می‌روند اما در نهایت سالن‌هایی که نهایتاً گنجایش جمعیت شش، هفت‌هزار نفری دارد، نصیب آنها می‌شود. با این حال اگر مجموع شرکت‌کنندگان این جشن در این پنج‌سال اخیر (نه ثبت‌نام کنندگان بلکه فقط آنهایی که وارد سالن شده‌اند) را یک حساب سرانگشتی کنیم به جمعیت حدود ۲۲ هزار نفر مخاطبان پای کار «دکتر سلام» می‌رسیم! شاید اگر یک برنامه تحت وب جدید در جریان مورد نقد دکتر سلامی‌ها تا این حد مخاطب داشت، لابد چند باری انقلاب می‌کرد! اما «دکتر سلام» چه دارد که تا این حد باید برای مخاطبانش اهمیت قائل شد؟ و مهم‌تر اینکه چرا مخاطبان «دکتر سلام» از خود «دکتر سلام» مهم‌تر هستند؟

اول؛ اهمیت فضای رسانه در دوران عرض اندام و قدرت‌نمایی رسانه‌های متکثر است. شکل‌گیری رسانه‌های جدید تحت وب از خبرگزاری‌ها و سایت‌ها گرفته تا فضای اینستاگرام و توییتر، آن فضای انحصاری قبلی را شکسته و فضای متکثری از رسانه‌ها را ساخته که در این فضا «پدیده شدن» شکلی حیاتی به خود گرفته است؛ به بیانی دیگر حرف زدن با مخاطب در این شرایط سخت‌تر از گذشته شده است. کاربران به‌راحتی به اطلاعات دسترسی دارند و حتی یک صفحه نه‌چندان مشهور می‌تواند قدرت مرجع‌سازی داشته باشد؛ فضای رسانه‌ای جدید با دسترسی آسانش، این ویژگی منحصر به فرد را دارد که افکار عمومی دیگر چون گذشته منفعل، مصرف‌کننده و شنونده صرف نیست و قدرت کنشگری یافته و این موفقیت رسانه‌ای را پیچیده‌تر کرده است. به موارد بالا اضافه کنید که این شرایط با جلوگیری از ایجاد بایکوت و تحریف اخبار و اطلاعات و زیر ذره‌بین قرار گرفتن مسئولان، منجر به مهار رسانه‌های کلان و البته مسئولان شده است. هیچ چیزی از چشم این رسانه‌ها دور نمانده و همه چیز تحت نظر است. در این شرایط داشتن مخاطب فعال-تاکید می‌کنم مخاطب فعال نه مخاطب ساده که حاضر است در سالگرد تاسیس و تولد آن رسانه سهیم باشد- برای یک رسانه، برگ برنده است.

دوم؛ غلبه محتوا بر فرم است. هرچند فرم تولید «دکتر سلام» جدید و جذاب است اما به‌نظر من در شرایط رسانه‌ای فعلی و البته با توجه به نکات گفته‌شده فوق، این غلبه محتوای ارائه‌شده در این مجموعه

نام	علت تقدیر
عبدالحسین روح الامینی	مبارزه با ضدانقلاب و فتنه‌گران
محمد انصاری مدافع تیم فوتبال پرسپولیس	اخلاق مداری در ورزش و تأسیس کمپ ورزشی شهیدهادی
فرزندان شهید زاداکبر	صبر و مقاومت
سرگرد جمشید شادلو (مرزبان)	عدم پذیرش پیشنهاد رشوه شهرام جزایری
پدر شهید حدادیان	صبر و مقاومت
(یکی از شهدای حادثه خیابان پاسداران)	فداکاری و جهاد در زلزله استان کرمانشاه
حجت‌الاسلام فاطمی، امام‌جمعه سر پل ذهاب	جهاد در وقایع مختلف از جمله زلزله کرمانشاه
حاج حسین یکتا	مبارزه چندین ساله با فساد
احمد توکلی	قهرمانی در بازی‌های آسیایی
زهرا کریمی، ملی‌پوش کبدمی ایران	نایب‌قهرمانی در بازی‌های اندونزی
مریم سلحشوری، عضو تیم ملی تکواندو	و اخلاق مداری در عرصه ورزش
پروفسور مریم رزاقی	جهاد علمی و دفاع از نام ایران و خلیج فارس در کنفرانسی در امارات

طنز است که ۲۵ هزار نفر را برای شرکت در گردهمایی آن پای کار می‌آورد. به بیانی دیگر، در فضای متکثر رسانه‌ای امروز داشتن رسانه اولویت‌دار نیست بلکه داشتن پیام اهمیت بیشتری یافته است. بنابراین «دکتر سلام» که از نظر بهره‌برداری از امکانات، نیروی انسانی، بودجه و... از سایر دستگاه‌های عریض و طویل رسانه‌ای چون صدا و سیما، سازمان تبلیغات و دستگاه‌های این چنینی عقب‌تر است، اما از نظر عمق نفوذ و تأثیرگذاری قطعاً جلوتر است.

سوم؛ شکل‌گیری با ساماندهی «دکتر سلامی‌ها» یا همان مخاطبان این مجموعه است. وقتی تصاویر صف‌ورود به سالن ورزشی امام علی (ع) به سختی بالا رفتن از یک خیابان سربالایی آن‌هم زیر سایه آفتاب شهریور را می‌بینی و این گزاره نه‌چندان غیرمحمتمل

حاشیه‌نویس برنامه که گفته است به‌دلیل حجم بالای استقبال، در میان جمعیت بازار سیاه بلیت «دکتر سلام» راه افتاده یا اینکه اکیب بچه‌های یزد را دیده که به عشق جشن این چندصد کیلومتر راه را آمده‌اند تهران، دیگر این جمعیت را یک جمعیت عادی فرض نمی‌کنی که صرفاً برای یک دوره‌می طنز گردهم آمده است، بلکه این جمعیت به‌نوعی نمادی می‌شود از یک طبقه در حال پر و بال گرفتن و تکثیر که مهم‌ترین ویژگی‌اش انقلابی‌بودن است، شاید بشود عنوان «انقلابی‌های انقلاب ندیده» را برای آنها انتخاب کرد. سن و سال‌شان آن قدری نیست که حتی با بازی خاطره‌انگیز ایران-استرالیا و گل خداداد عزیزی خاطره داشته باشد چه برسد به انقلاب ۵۷ اسلامی ایران، اما شور و حرارت همان روزهای بهمن ۵۷ را دارد؛ نه مانند برخی انقلابی‌ها پشیمان است و نه بن‌بستی برای این انقلاب منصور است و البته به آینده آن امید دارد، با این حال با زبانی طنز به کاستی‌های می‌تازد و توجیه‌گر وضع موجود نیست.

این جمعیت انقلابی است اما خود را در حصار جریان‌های سیاسی نمی‌داند؛ نه اصولگراست و نه اصلاح‌طلب و هم اصولگراست و هم اصلاح‌طلب! و برآورد دقیقی از دستاوردها و کاستی‌های چپ و راست و بهاری دارد؛ لذا هر جایی که رابویه عملکرد را دید، برایش فرقی نمی‌کند که چه عنوانی دارد و چه جایگاهی؟! آنچه باید، می‌گوید. این را می‌شود از همان واکنش‌های جمعیت در روز جشن، هنگامی که تصاویر مسئولان فعلی و سابق و اسبق کشور نمایش داده می‌شود، فهمید. تکلیفش با خودش

و کاری که می‌خواهد بکند مشخص است؛ معتقد به کار تمیز فرهنگی است و در مساله آزادی‌های اجتماعی هم به برخی رفتارهای سنتی هزینه‌زا انتقاد دارد؛ برای همین به هزینه‌تراش‌ها برای کشور هم روی خوشی نشان نمی‌دهد؛ از سوی دیگر اگر به موضوع آزادی اهمیت می‌دهد از عدالت غفلت نمی‌کند و آن را لازمه حیات انقلاب اسلامی می‌داند. از هر حرکتی که منجر به ایجاد امید در مردم می‌شود حمایت می‌کند؛ اگر امام‌جمعه‌ای به میان مردم می‌رود یا حصارها با مردم را کنار می‌گذارد، مورد تشویقش قرار می‌گیرد.

ویژگی مهم دیگر «دکتر سلامی‌ها» توجه به گسترش دایره انقلاب است؛ اینکه این دایره را آن قدر تنگ نکنیم که چند صباحی دیگر شعاع آن صفر شود یا اگر خطابی از جریان خودی یا حتی جریان کمی آن طرف‌تر سر زد چنان او را طرد نکنیم که راه بازگشت بسته شود. لذا این طبقه به جذب می‌اندیشد نه طرد؛ بنابراین معتقد به کار جبهه‌ای در عرصه فرهنگی است که در نهایت این جبهه تقویت شود. ویژگی دیگر اینکه این طبقه اهل دیالوگ و رسانه است و همه تلاش خود را می‌کند که در فضای رسانه‌ای صرفاً شنونده نباشد بلکه اثری جدی و مثبت و رویه‌جلب‌افزا کند.

درباره این طبقه روه به گسترش بیشتر از اینها هم می‌شود نوشت، اما باید منتظر اثرات بیشتر آن در آینده‌ای نه‌چندان دور بود.